

A Study of the Economy of Shushtar in the First Pahlavi Period: With a Focus on Industry and Agriculture (1304-1320 / 1925-1941)

Ali Akbar Kajbaf¹ | Parvin Beigmohammadi² | Mortaza Nouraei³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract

Purpose: Shushtar has always been one of the most important agricultural and commercial centers of Khuzestan and served as the provincial capital for over 13 centuries. but during the Pahlavi era, due to the shift of Khuzestan's administrative center from Shushtar to Ahwaz and subsequent loss of political status, initiating a period of decline and paving the way for its economic deterioration. Furthermore, crises in agriculture and industry hindered the city's economic growth. Thus, the purpose of this study is to investigate the economic situation of Shushtar with an emphasis on the industrial and agricultural sectors in the first Pahlavi period and to analyze the factors that impeded their development.

Method and Research Design: This study employs a descriptive-analytical method, drawing on library sources, archival documents, and interviews.

Findings and Conclusion: Various internal factors such as lack of adequate investment in Shushtar agriculture, the occurrence of natural disasters, and lack of industrialization, hindered the growth of its agricultural economy. the obstacles to industrial development of Shushtar during the first Pahlavi era were political, economic, and social factors.

Keywords: Shushtar, First Pahlavi era, Economics, Agriculture, Industry.

Citation: Kajbaf, A. A. , Beigmohammadi, P. and Nouraei, M. (2024). A Study of the Economy of Shushtar in the First Pahlavi Period: With a Focus on Industry and Agriculture (1304-1320 / 1925-1941). *Ganjine-ye Asnad*, 34(3), 6-30 | doi: 10.30484/ganj.2024.3171

1. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

Kajbaf@ltr.ui.ac.ir

2. Invited Lecturer, Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran. mohammadi.parvin24@gmail.com

3. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«135»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3171

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 3, Autumn 2024 | pp: 6 -30 (25) | Received: 18, Apr. 2024 | Accepted: 17, Aug. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

بررسی اقتصاد شوستر در دوره پهلوی اول: با تأکید بر صنعت و کشاورزی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش/۱۹۲۵-۱۹۴۱ م)

علی اکبر کجیاف^۱ | پروین بیگ محمدی^۲ | مرتضی نورائی^۳

چکیده:

شوستر همواره یکی از مهم‌ترین مراکز کشاورزی و تجاری خوزستان و بیش از ۱۳ قرن مرکز ایالت خوزستان بود؛ ولی در دوره پهلوی اول، به دلیل انتقال مرکزیت خوزستان از شوستر به اهواز و در پی آن ازدست رفتن موقعیت سیاسی‌اش، روند نزولی پیدا کرد و زمینه انحطاط اقتصادی‌اش فراهم شد. افزون بر این بروز بحران‌هایی در کشاورزی و صنعت شوستر سبب شد تا اقتصاد این شهر رشد نکند.

هدف: بررسی وضعیت اقتصادی شوستر در دوره پهلوی اول با تأکید بر بخش صنعت و کشاورزی و تحلیل عوامل رشد نکردن دو بخش مذکور.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک آرشیوی و مصاحبه انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: عوامل گوناگون داخلی نظیر نبود سرمایه‌گذاری مناسب در کشاورزی شوستر، وقوع بلایای طبیعی، و صنعتی نشدن سبب شد تا اقتصاد شوستر در زمینه کشاورزی رشد نکند. از جمله موانع رشد صنعت شوستر در دوره پهلوی اول هم، عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود.

کلیدواژه‌ها: شوستر؛ پهلوی اول؛ اقتصاد؛ کشاورزی؛ صنعت.

استناد: کجیاف، علی اکبر، بیگ محمدی، پروین و نورائی، مرتضی. (۱۴۰۳). بررسی اقتصاد شوستر در دوره پهلوی اول: با تأکید بر صنعت و کشاورزی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش/۱۹۲۵-۱۹۴۱ م). *گنجینه اسناد*، ۳۴ (۳)، ۳۰-۶.

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۷۱

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
Kajbaf@ltru.ac.ir

۲. مدرس مدعو دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
mohammadi.parvin24@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
m.nouraei@ltru.ac.ir



گنجینه اسناد ۱۳۵

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴,۳۱۷۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۳ | صص: ۳۰-۶ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

تحقیقات تاریخی

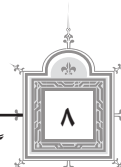
۱. مقدمه

شوشتر به دلیل ویژگی تاریخی خود (مرکز استان خوزستان) همواره اهمیت زیادی داشت. شکل و ترکیب این شهر تابع وضعیت توپوگرافی خاص آن بود. شوشتر به دلیل برخورداری از شرایط جغرافیایی ویژه مانند قرارگرفتن در مسیر رودخانه کارون همواره یکی از مراکز کشاورزی و تجاری خوزستان و برای ۱۳ قرن مرکز خوزستان بوده است؛ ولی در دوره پهلوی اول، بروز بحران‌هایی در کشاورزی و صنعت آن سبب شد تا اقتصاد شهر رشد نکند. صنعت شوشتر که حول صنایع دستی می‌چرخید در گذشته رونق زیادی داشت. صنایع دستی در رشد سرمایه اجتماعی و به تبع آن در رشد اقتصادی نقش فراوانی دارد؛ اما در این زمان در اقتصاد شوشتر نقش زیادی نداشت.

پژوهش حاضر درصدد است با بررسی کارکردهای اقتصاد شوشتر در زمینه کشاورزی و صنعت، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و برپایه اسناد و منابع اصلی و بهره‌گیری از روش مصاحبه، عوامل مؤثر در رشد نکردن اقتصاد این شهر در دوره پهلوی اول را تحلیل و بررسی کند.

باوجود موقعیت ممتاز شوشتر در گذشته، اقتصاد آن در دوره پهلوی اول به شکل ویژه‌ای بررسی نشده است و در اغلب منابع و مطالعات تألیف شده درباره شوشتر، به برخی از جنبه‌های اقتصادی، مانند صنایع دستی، بازار و کشاورزی اشاراتی جزئی شده است. ازجمله این آثار یادی از شوشتر، تألیف محمدباقر نیرومند (۱۳۸۴) است. مسعود ولی عرب (۱۳۹۵) نیز در کتاب تاریخ اقتصادی شوشتر در دوران معاصر و مقاله «بررسی تأثیر تجارت و بازرگانی در حیات اقتصادی شوشتر در دوره قاجاریه»، اطلاعات پراکنده‌ای از وضعیت اقتصادی شوشتر در اواخر قاجار و اوایل پهلوی، ارائه می‌دهد. هم‌چنین سفرنامه مهدی غروی (۱۳۲۸) که حاصل مشاهدات او از اوضاع اقتصادی-اجتماعی شوشتر در سال ۱۳۲۸ ش/۱۹۴۹ م است به صورت کلی و ناقص اقتصاد شهر در دوره پهلوی اول را ترسیم کرده است. بدین سبب شناخت اوضاع اقتصادی شوشتر در دوره پهلوی اول، می‌تواند موضوع مهمی برای مطالعات تاریخ محلی باشد. وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات یادشده آن است که کوشیده است تا ضمن تمرکز بر بررسی وضعیت اقتصاد شوشتر در دوره مذکور، علل رشد نکردن اقتصاد شهر در بخش‌های کشاورزی و صنعت را تحلیل و واکاوی کند.

باتوجه به ارائه تعاریف متعدد از رشد اقتصادی، اهمیت و چندبعدی بودن این موضوع مشخص می‌شود؛ ولی آنچه روشن است، اکثر اندیشمندان تاریخ اقتصاد، رشد اقتصادی را افزایش تولید در شاخه‌های مختلف اقتصاد جامعه یعنی در کشاورزی،



صنعت، حمل و نقل، و سرمایه عنوان کرده‌اند. برای نمونه، گیلیس و همکاران معتقدند اگر تولید کالاها و خدمات به هر وسیله ممکن، در کشور افزایش یابد، می‌توان این افزایش را رشد اقتصادی تلقی کرد (گیلیس و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳۴).

طبق نظر کیندلبرگر^۱ نیز رشد اقتصادی تنها به افزایش تولید و مصرف بیشتر ارتباط ندارد؛ بلکه شامل افزایش کارایی تولید، بهبود فناوری و افزایش بهره‌وری نیز می‌شود (قره‌باغیان، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۷).

از نظر گی روشه یکی از عوامل مؤثر در رشد اقتصادی توسعه صنعتی است. صنعت نیز برای رشد به جابه‌جایی سرمایه نیاز دارد؛ یعنی باید سرمایه‌های موجود در بخش مالکیت ارضی و سایر بخش‌های غیرتولیدی، در زمینه تجهیزات فنی ضروری در تولید صنعتی، حمل و نقل و ارتباطات جمعی و همچنین در تجارت و خدمات به کار گرفته شود. او کمبود سرمایه در مناطق در حال توسعه را یکی از بزرگ‌ترین موانع صنعتی شدن و بالطبع موانع رشد اقتصادی می‌داند (روش، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹)؛ بنابراین به‌طور کلی رشد اقتصادی به افزایش کلی و مداوم تولید یا درآمد از طریق ارتباط با افزایش در نیروی کار، مصرف سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود (قره‌باغیان، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۷).

۲. اوضاع اقتصادی و اجتماعی شوشتر تا اوایل پهلوی اول

شهر شوشتر به دلیل قرار گرفتن در مرکزیت استان خوزستان، از دیرباز در تاریخ ایران و خوزستان از موقعیت سیاسی-اقتصادی قابل‌اعتنایی برخوردار بوده‌است. ولی از قرن دوازدهم هجری به بعد، پیدایش حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله، خرابی سدها و نابودی محصولات کشاورزی، بروز بیماری‌هایی چون وبا و طاعون و ایجاد قحطی‌های گسترده از جمله عواملی بودند که ترکیب جمعیت شوشتر را دگرگون کردند و بر ساختار اقتصادی آن تأثیر گذاشتند. البته شوشتر دوباره در دوره قاجار به دلیل آزادی کشتیرانی در کارون، از لحاظ اقتصادی وارد دوره‌ای از رونق و شکوفایی شد؛ به گونه‌ای که تجارت‌های بین‌المللی پرسودی در زمینه محصولات کشاورزی مانند پنبه و ترباک در سطح در این شهر انجام می‌شد. رشد تجاری در این زمان، نه تنها به اشتغال‌زایی مردم شوشتر کمک کرد، بلکه باعث تقویت ارکان اقتصادی و افزایش سطح درآمدها شد؛ در نتیجه امنیت شغلی و مالی برای مردم فراهم شد. انگلیس هم به دلیل حفظ منافع اقتصادی خود در خوزستان، امنیت شهرهای مهمی چون شوشتر را تأمین می‌کرد و از غارت بختیاری‌ها جلوگیری می‌کرد (کتاب آبی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۱۷۲۹).

1. Charles P. Kindleberger



در نهایت رشد اقتصادی شوشتر در زمان حاکمیت نظام السلطنه در خوزستان (۱۳۰۵-۱۳۰۹ق و ۱۳۱۲-۱۳۱۴ق) به اوج خود رسید؛ زیرا ایجاد دگرگونی‌هایی در اقتصاد، نظیر رواج کشت محصولات کشاورزی و تولید مصالح ساختمانی جدید، ترویج زرگری، اصلاح وضعیت نان و افزایش کیفیت آن در بهبود اوضاع معیشتی و رشد اقتصاد شوشتر مؤثر واقع شد (نیرومند، ۱۳۸۴، صص ۱۲۶-۱۲۷؛ کسروی، ۱۳۱۲، ص ۲۳۱).

ولی این شکوفایی دیری نپایید؛ چنان‌که در دوره مشروطه به دلیل مبارزه طلبی‌های بین شیخ‌خزعل و بختیاری‌ها (کمام، کارتن ۳۲، پوشه ۴)، بر سر منافع اقتصادی خوزستان ناامنی و آشوب دامن شهر شوشتر را نیز فراگرفت. هم‌چنین با شعله‌ور شدن اختلافات فرقه‌ای و محلی حیدری-نعمتی، خان‌های حیدری شوشتر طرفدار شیخ‌خزعل و نعمتی‌ها طرفدار بختیاری‌ها شدند. ناامنی‌ای که در اثر این اختلافات در شوشتر به وجود آمد، آنچنان به اوضاع بازرگانی لطمه زد که بازرگانان و کاسبان شوشتری را به‌سسته آورد. از این رو آنان در نامه‌ای به مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۹ق/۱۲۸۹ش از دولت خواستند برای حل این مشکل یا خوانین بختیاری و یا شیخ‌خزعل را از شوشتر بیرون کنند تا سرمایه مردم حفظ شود (کمام، کارتن ۳۳، پوشه ۴).

محمدباقر نیرومند که این اوضاع را به چشم خود دیده بود، درباره تأثیر این ناامنی بر رکود اقتصاد شوشتر می‌نویسد: «با این وضع نابه‌سامان و هرج‌ومرج و چگونگی اوضاع اجتماعی، بازرگانی، کشاورزی و به‌طور کلی احوال عمومی مردم معلوم است و احتیاج به شرح و تفصیل جزئیات نامحدود آن نیست. مردم مرعوب شده بودند، سرمایه‌ها راکد، فعالیت عمومی فلج و اعتماد مردم به همدیگر سلب شده بود و آشفتگی به‌تمام معنا در همه کارها راه یافته بود و هیچ‌کدام از این جنگ‌ها و کشمکش‌ها بدون تلفات نبود و جز کشته شدن افرادی از طرفین هر دعوا دو نفر از شخصیت‌های محلی به‌دست همان اوباش و به تحریک بعضی سیاست‌ها ترور شدند» (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

درواقع بروز اختلافات داخلی، رواج هرج‌ومرج و ترور در شوشتر با ازین بردن ثبات سیاسی شهر، موجب افزایش ریسک و بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد نکردن اقتصاد شهر شد (دودانگی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۱). از سوی دیگر تنوع قومی سبب شد اختلاف و دودستگی بین قومیت‌ها ایجاد شود و سدی در برابر ایجاد ارتباط مناسب میان مردم شوشتر به وجود آورد که بر رشد اقتصاد آن تأثیر منفی گذاشت.

سرانجام ظهور رضاخان در عرصه قدرت و مخالفت شیخ‌خزعل با او سبب شد تا رضاخان در راستای وصول به تمرکزگرایی مدنظر خودش، شیخ‌خزعل را از سر راه بردارد. در مقابل شیخ‌خزعل با هدف ایجاد آشوب در شهرهای خوزستان، عده‌ای از آغاوات^۱

۱. آغاوات: خان‌ها (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۲).
در شوشتر به دلیل بی‌نظمی و نبود حاکم قوی قلدان و گردنکشان محله‌های شهر را تقسیم کرده بودند و هر کدام حاکم یک بخش بود که به آن‌ها آغامی گفتند؛ آغا اینجا بیشتر معنی قدرتمند می‌دهد.



برای ایجاد هرج و مرج و بی‌نظمی در شوشتر مأمور کرد. چنان‌که در این زمان غارت ادارات امری رایج شد و مردم خوزستان از جمله شوشتر چندین سال در زیر ظلم و ستم شیخ خزعل و گماشتگان او قرار گرفتند (کمام، کارتن ۳۵، پوشه ۳۸، ص ۱). کسروی درباره هرج و مرج ایجاد شده توسط آغاوات می‌نویسد: «باری اینان به شوشتر درآمدند، هریکی در محله خود تفنگ‌چی گرد آورده، درهای دیوان‌خانه کهن را باز نمودند و کم‌کم به ادارات پیچیدگی نمودند» (کسروی، ۱۳۱۲، ص ۲۸۰).

سلطه شیخ خزعل بر ادارات شوشتر از یک سو به دلیل ایجاد اختلال در نظام اداری و انجام نشدن درست وظایف بر اقتصاد شهر تأثیر سو گذاشت و از سوی دیگر ارتکاب این اعمال، خرابی بازارها و دکان‌ها را به همراه داشت که به نوبه خود به رکود اقتصاد شوشتر منجر شد. چنان‌که مردم به دلیل ترس از دست دادن جان و مال، انگیزه سرمایه‌گذاری در عرصه تجارت را از دست دادند. به گفته رومر، جنگ و اختلاف در جامعه سود حاصل از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و فعالیت‌های افزایش‌دهنده تولید را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه جذابیت سرمایه‌گذاری از بین می‌رود (رومر، ۲۰۰۱، ج ۱، صص ۲۷۲-۲۷۴). از این رو بسیاری از تاجران و بازرگانان شوشتر به دلیل این اوضاع نامساعد به مهاجرت روی آوردند (کسروی، ۱۳۱۲، ص ۲۴۳).

نبود امنیت در شوشتر هم چنان تا اوایل پهلوی اول تداوم یافت. چنان‌که زمانی که معین‌التجار بوشهری در سال ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲ م قصد داشت صناعی مانند ماشین بافندگی، ریسمان‌بافی و پشم‌ریسی را برای شوشتر راه‌اندازی کند، در نامه‌ای به مجلس شورای ملی می‌نویسد: «دولت تعهد امنیت و حفظ این مؤسسه را بفرماید یا اجازه بدهد خود این شرکت مستحفظان مسلح به قدر کفایت برای نظم نگاه دارد که از تجاوز اشرار محفوظ باشد» (کمام، کارتن ۱۲، پوشه ۱۱، ص ۱). طبق گفته مذکور می‌توان گفت که اشاره معین‌التجار به لزوم حفظ کارخانه‌جات از دست‌اندازی اشرار، ناشی از نبود امنیت در آن زمان بوده است و سرمایه‌گذاری در صنعت و رشد اقتصاد شوشتر، هنوز به حفظ امنیت شهر وابسته بوده است.

رکود اقتصاد شوشتر قبل از پهلوی اول و به دلیل پاره‌ای از عوامل اجتماعی و غیراقتصادی مانند نبود ثبات سیاسی، نبود امنیت، اختلافات قومی، نژادی و فرهنگی، آشوب‌های ایجاد شده توسط متنفذان و... آغاز شده بود. اگرچه با به کنترل درآمدن اداره شوشتر به دست حکومت پهلوی، امنیت به عنوان پیش شرط لازم برای دگرگونی و رشد اقتصاد شهر فراهم شد، ولی انتقال مرکزیت خوزستان از شوشتر به اهواز زمینه‌های رشد اقتصادی شوشتر را از بین برد؛ زیرا از مرکز توجه خارج شد و سهم چندانی از سرمایه‌گذاری‌های پهلوی اول برای شوشتر

در نظر گرفته نشد؛ بنابراین یکی از اساسی ترین موانع رشد اقتصاد شوشتر نبود سرمایه گذاری در آن بود (هادسن و همکاران، ۱۹۸۳، ص ۳).

نیرومند در این باره می نویسد: «تحولات اندک و غیر کافی که پس از دوران هرج و مرج و خان خانی، از سال ۱۳۰۰ ش/۱۹۲۱م به این طرف به تدریج و یا به کندی در این شهر آغاز شده است، چه از لحاظ فرهنگی و آموزشی و چه از جنبه عمرانی و اقتصادی و غیره چندان چشم گیر نبوده اند؛ بلکه عنوان ظاهرسازی داشته اند و به موازات پیاده کردن برنامه های ناقص دولت ها در سطح کشور سهمی بسیار کم و بی ارزش به این شهر داده اند» (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱).

بر این اساس به نظر می رسد که عدم رشد اقتصاد شوشتر تاحدی با تئوری میردال یعنی، تأثیر نابرابری های منطقه ای و عوامل خارجی قابل تحلیل باشد. او برای توصیف تئوری خود از مفاهیم «اثرات بازدارنده» و «اثرات تهییج کننده» استفاده کرده است. میردال، اثرات بازدارنده را شامل تأثیرات منفی تغییرات در اقتصاد می داند که خود حاصل فعالیت نیروهای خارجی مانند مهاجرت، نوسانات سرمایه و تجارت است. اثرات تهییج کننده نیز شامل گسترش ایجاد شده در یک منطقه و تأثیر آن بر مناطق دیگر است (قره باغیان، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۳۶۶-۳۶۷).

به نظر میردال علت عدم رشد اقتصادی یک منطقه در نتیجه اثرات تهییج کننده، شامل توسعه ایجاد شده در منطقه ای دیگر و تأثیر آن بر منطقه مذکور است. مثلاً عدم رشد اقتصاد شوشتر محصول توسعه ایجاد شده در شهر اهواز بوده است. گرچه بر اساس این تئوری، بدون تردید نابرابری منطقه ای به عنوان یکی از عوامل عدم رشد اقتصاد شوشتر تأثیر گذار بوده است، ولی صرفاً با تأکید بر این عامل نمی توان، این موضوع را تحلیل و تبیین کرد؛ بنابراین برای بررسی این امر، باید فراتر از تمرکز صرف بر سیاست های حکومت پهلوی، به دخالت عوامل دیگر مانند تأثیر عوامل خارجی، عوامل طبیعی، نقش مردم، دستگاه های اداری، و... در بخش های مختلف کشاورزی و صنعت شوشتر پرداخت.

۳. کشاورزی

کشاورزی شوشتر به دلیل ایفای نقش فراوان در ایجاد اشتغال برای جامعه شوشتر از بخش های مهم اقتصاد شهر به شمار می رفت. کشاورزی شوشتر از گذشته به دلیل شرایط اقلیمی مناسب نظیر داشتن آب فراوان، سیستم آبیاری مناسب و خاک حاصل خیز از رونق زیادی برخوردار بوده است و اکثر مورخان و سیاحان در آثار خود به این امر اذعان کرده اند. برای نمونه نعمت الله جزایری مؤلف کتاب تذکره شوشتر، در توصیف فراوانی محصولات



و خوبی خاک شوشر برای شخم و کشت محصول می‌نویسد: «در شوشر نرخ غلات و اطعمه غالباً ارزان باشد و گندم و برنج و سایر حبوبات نیکو به‌عمل آید و ریع زراعت فراوان باشد و اراضی آن‌جا پربرکت و به‌حدی سبک است که به یک درازگوش شخم توان کرد... و بادنجان و خیار و هندوانه بسیار خوب است و جوزق^۱ آن‌جا به‌غایت نیکو، و پنبه^۲ آن بهتر از پنبه سایر بلاد است» (جزایری شوشتی، ۱۳۹۵، صص ۴-۵).

قبل از پهلوی اول با سرمایه‌گذاری بر روی سد شادروان و بهره‌برداری از بندهای روی شطیط^۳، نهر مسرقان^۴ و میان‌آب^۵ شوشر به شهری غله‌خیز تبدیل شده بود؛ به‌گونه‌ای که تولیدات کشاورزی آن حتی در مناطق دوردست نیز به فروش می‌رسید. مؤلف تحفه‌العالم در این باره چنین نوشته است: «باغ و بساتین و زرع صیفی آن‌قدر به‌عمل آمد که تا بلاد بعیده از شوشر می‌رفت...» (شوشتی، ۱۲۹۶، ص ۲۳).

رونق کشاورزی شوشر به‌حدی بود که در اوایل پهلوی اول به‌دلیل ارزش زمین و محصولات کشاورزی، علاوه بر مالکان و زارعان، طبقات دیگر جامعه شوشر مانند پیشه‌وران، خوانین و تاجران هم به سرمایه‌گذاری در زمین و شراکت با کشاورزان پرداختند (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۹)؛ چنان‌که مالکان عمده شوشر معمولاً از خوانین بختیاری بودند که به‌دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب شوشر، املاک زیادی در آن‌جا داشتند. از جمله مهم‌ترین این خوانین سردار محتشم بختیاری صاحب باغ‌هایی در عقیلی^۶ بود. اگرچه ساکنان عقیلی بیش‌تر لر بودند، ولی تعدادی عرب نیز در آن‌جا زندگی می‌کردند. در عقیلی کشاورزی به‌صورت آبی وجود داشت (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۵). در قسمت شرقی بلیطی^۷، خران^۸ و غیره نیز لر و عرب ساکن بودند و زراعتشان به‌صورت دیم بود (نگهبان، بی‌تا، ص ۱۰).

عشایر بختیاری با گرفتن انشعاب از نهر کارون و تبدیل مراتع قشلاقی و دیم‌زارهای دامنه‌های شمالی منطقه عقیلی به مزارع کشاورزی، نوعی جامعه دهقانی در شوشر ایجاد کردند؛ ولی با تضعیف نظام عشایری بختیاری و تحول نظام قبیله‌ای اعراب در جنوب و شرق و شمال شرقی منطقه، دامداران عرب در حواشی اراضی مرتعی در امتداد رودخانه‌ها (شعبیه^۹) ساکن شدند (مهندسین مشاور، ۱۳۶۵، ج ۴، صص ۲-۷). در بلوک میان‌آب نیز سکنه نیمه شمالی غالباً بختیاری و سکنه نیمه جنوبی عرب بودند و سه‌چهارم به‌صورت دیم کشت می‌شد و زراعت آبی آن بسیار محدود بود (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۴).

از جمله محصولات کشاورزی شوشر در دوره پهلوی اول، گندم و جو بود که به‌دلیل آب فراوان کارون [علاوه بر تأمین نیاز مردم شوشر] سالانه ۳۰۰ خروار [هم] مازاد داشت (رزم‌آرا، ۱۳۲۰، صص ۱۱۹-۱۲۰). گندم و جو قسمت عمده محصول شهر را تشکیل

۱. جوزق: (JOWZAQ) جوزق پنبه؛ معرب کوزه پنبه، غلاف پنبه که هنوز پنبه از آن برنیاورده باشند (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه).
۲. شاخته غربی رود کارون در شمال شوشر (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۳).
۳. مسرقان یا رود گرگر شاخته شرقی رود کارون در شمال شوشر (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۳).
۴. اتحاد دو نهر گرگر و مسرقان در بیست‌وپنج‌میلی جنوب شوشر باعث تشکیل جزیره‌ای می‌شود که به میان‌آب معروف شده است (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۳). میان‌آب (مینوآب) بین شطیط و دودانگه است و طول آن از شوشر تا بند قیر است.
۵. قطعه زمینی در شمال شرقی شهر شوشر (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۴).
۶. تونل بلیطی واقع در پشت بند گرگر در شوشر (نشریه انجمن تونل ایران، ۱۳۸۸، ش ۷، ص ۱۴).
۷. بلوک خران واقع در ساحل آب گرگر در شوشر (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۵).
۸. زمینی در ساحل غربی رود کارون در شوشر (امام شوشتی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۴).



می داد. باقلا، پیاز (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۹)، کرچک، کنجد، کال[ئو]چو، مرکبات، برنج، خرما و سیر از دیگر محصولات کشاورزی شوشتر در دوره پهلوی اول بود (رزم آرا، ۱۳۲۰، ص ۴۲؛ ظهیرالاسلام زاده دزفولی، ۱۳۰۸، ص ۶۴؛ مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵).
در جدول ۱ میزان برداشت محصولات می چون گندم، جو، حبوبات و... در شهرهای استان خوزستان و از جمله در شوشتر در سال ۱۳۱۰ ش آمده است.

محصول شهر	گندم	جو	حبوبات	برنج شلتوک	مرکبات	خرما	پنبه	تریاک
دزفول	۳۰،۰۰۰	۱۸،۰۰۰	-	۲۳،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰		-	۱۲
شوشتر	۲۷،۰۰۰	۱۳،۰۰۰	۴۰	۱،۵۰۰	۱۲۰،۰۰۰	۱۰۰	۷۰۰	۴۵
رامهرمز	۳۱،۷۵۰	۱۶،۰۲۰	۵۰۰	۹،۰۰۰	۳۰۰،۰۰۰	۲۰۰	-	۶۰
ناصری [اهواز]	۹۱،۰۰۰	۴۵،۵۰۰		۴،۰۰۰	-	۴۵،۰۰۰	-	-
بهبهان	۷۸،۰۰۰	۷۸،۰۰۰	۱۵۰	۷۸،۰۰۰	۶،۰۰۰،۰۰۰	-	-	۳۰۰
بنی طُرف	۷۵،۰۰۰	۸،۰۰۰	-	۴۵،۰۰۰	-	۸۰۰	-	-
آبادان	-	-	-	-	-	۱۰۱،۰۰۰	-	-
خرم شهر	-	-	-	-	-	۴۰،۰۰۰	-	-

جدول ۱

میزان برداشت محصولات کشاورزی
شوشتر و سایر شهرهای خوزستان در
سال ۱۳۱۰ ش (براساس خروار) (احصائیة
محصولات فلاحی ایران در سال ۱۳۱۰ ش،
۱۳۱۱، صص ۷۸-۸۱)

باتوجه به جدول مذکور، در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۱ م شوشتر با کشت ۲۷،۰۰۰ خروار گندم و ۱۳،۰۰۰ خروار جو، از این لحاظ در رتبه چهارم و پنجم شهرهای خوزستان بوده است. هم چنین برخی مواد اولیه مانند پنبه در بین شهرهای خوزستان، تنها در شوشتر کشت می شده است. رواج این محصول تجاری توسط شیخ خزعل و به دلیل تقاضای بازار جهانی انجام شد و نقش مهمی در ایجاد اشتغال برای مردم شوشتر ایفا می کرد (قیم، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱). باوجود کاهش قیمت پنبه از سال ۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹ م به دلیل بحران اقتصادی در بازار جهانی (مجله مدرسه عالی فلاح کرج، ۱۳۰۹، سال، شماره اول، ص ۲)، کشت پنبه در شوشتر به دلیل شرایط محیطی مناسب هم چنان انجام می شد و سالانه ۷۰۰ خروار محصول داشت (احصائیة محصولات فلاحی ایران در سال ۱۳۱۰ ش، ۱۳۱۱، صص ۷۸-۸۱).



در شوشتر علاوه بر محصولات معیشتی، کشت تریاک هم به دلیل رونق بازار آن در نظام جهانی رواج داشت. گرچه در دوره پهلوی بعد از بهبهان و رامهرمز بیشترین تریاک خوزستان از شوشتر به عمل می آمد، ولی در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م میزان آن نسبت به دوره های قبل کاسته شد و تولید آن به ۴۵ خروار کاهش یافت (احصائیه محصولات فلاحی ایران در سال ۱۳۱۰ ش، ۱۳۱۱، صص ۷۸-۸۱). کتاب گزارش های اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م در این باره می نویسد: «میان آب شوشتر دوباره رونق اولیه را پیدا کرده؛ از شوشتر تا ناصری هم اراضی فاریاب خواهد شد. فعلاً مقدار اراضی [ای] که تحت تریاک کاری می رود خیلی کم و در حدود ۷۲۸۴ ذرع مربع است و مقدار ۶۲۵۹ مثقال شیرۀ تریاک از آن جمع آوری شده...» (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵). شاید یکی از دلایل این امر، کاهش صادرات تریاک، ناشی از تصویب قانون انحصارات دخانیات در مجلس شورای ملی بوده باشد (کیهان، ۱۳۱۱، ج ۳، ص ۱۳۵) که سبب پایین آمدن انگیزۀ زارعان برای کشت این محصول شده است. البته یکی از دلایلی که موجب شد کشت تریاک در شوشتر با وجود تنگناهای موجود در سیستم آبیاری و حمل و نقل شهر، همچنان در این زمان ادامه یابد، این بود که تریاک زراعتی پاییزه بود و در پاییز به دلیل وجود آب کافی به موقع آبیاری می شد. ثانیاً اینکه برخلاف سایر محصولات به وسایل حمل و نقل زیادی نیاز نداشت و عموماً بازار آن در دسترس رعیت بود (کیهان، ۱۳۱۱، ج ۳، ص ۱۳۴).

پیشرفت کشاورزی به رشد کلی اقتصاد جامعه کمک می کند و محدودیت های موجود در این بخش مانع پدید آمدن سرمایه برای رشد اقتصاد می شود. در دوره پهلوی اول مجموعه ای از عوامل مختلف به بازدهی پایین کشاورزی شوشتر منجر شد که در ادامه ذکر می شوند:

الف. تأثیر منفی عوامل طبیعی

یکی از نارسایی های کشاورزی شوشتر در دوره پهلوی اول، تأثیر منفی عوامل طبیعی بر رشد بخش کشاورزی بود. چنان که کمبود نزولات جوی به عنوان عاملی طبیعی، میزان تولیدات کشاورزی را کاهش می داد؛ از جمله حبوبات که به دلیل نیاز به آب فراوان و روش کشت سنتی حاصل ناچیزی داشت (رزم آرا، ۱۳۲۰، ص ۴۲).

یکی دیگر از تأثیرات منفی عوامل طبیعی بر کشاورزی، هجوم ملخ به مزارع شوشتر بود؛ چنان که وسعت این خرابی به حدی بود که مردم از لحاظ اقتصادی در فشار قرار گرفتند (کمام، کارتن ۲۰، پوشۀ ۶۴، ص ۱). به دلیل نبود راهی برای مقابله با هجوم ملخ ها، این حشرات، در سر راه خود تقریباً همه چیز را خوردند و محصولی برای کشاورزان باقی

نگذاشتند. هجوم ملخ از دو جهت مردم را در مضیقه گذاشت: از یک طرف، از بین رفتن محصولات کشاورزی موجب ایجاد قحطی شد و از سوی دیگر به دلیل ازدست رفتن درآمد حاصل از کشاورزی، مردم حتی توان نداشتند مالیات مرسوم خود را هم پرداخت کنند (کمام، کارتن ۲۰، پوشه ۶۴، ص ۲). افت تولید محصولات کشاورزی در نتیجه آفت زراعی آنچنان بود که توان اقتصادی مالکان توابع شوشتر نیز به میزان زیادی کاهش یافت؛ به گونه ای که برای تخفیف مالیاتی درخواست داشتند (ساکما، ۲۴۰/۲۲۰۴۸).

ب. عدم سرمایه گذاری در کشاورزی

یکی دیگر از نارسایی های کشاورزی شوشتر در این زمان، که به کاهش تولیدات کشاورزی و رشد نکردن اقتصاد آن منجر شد، نبود سرمایه گذاری مناسب در این بخش بود؛ زیرا کشاورزی به دلیل سیاست نوسازی دولت مبنی بر توسعه صنعتی، چندان مورد توجه واقع نشد و سرمایه گذاری های دولت در بخش کشاورزی به شهرهای مهم و بزرگ محدود شد. از این جهت، گرچه سرمایه گذاری های بخش دولتی و خصوصی برای رونق کشاورزی در استان خوزستان آغاز شد، ولی در شهر شوشتر تنها سرمایه گذاری هایی توسط بخش خصوصی و به صورت محدود انجام شد. به طوری که تا سال ۱۳۲۵ ش ۱۹۴۶م فقط یک یا دو دستگاه موتورپمپ کوچک در بند قیر مشغول بود و در هیچ جای دیگر از شوشتر اقدامات قابل توجهی در این زمینه انجام نشده بود (حقوقی، ۱۳۴۲، ص ۱۳). این در حالی است که برای افزایش زمین های زیر کشت منطقه و رونق تولیدات کشاورزی، تأمین آب لازم از نیازهای اساسی بود. سرمایه گذاری در آبیاری با فراهم کردن امکان کشت زمین های بیشتر در یک دوره زمانی، بیش تر از همیشه اشتغال را افزایش می داد (گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱).

ظهور الاسلام زاده دزفولی نیز درباره اهمیت به کارگیری ابزار آلات آبیاری برای توسعه کشاورزی شوشتر می نویسد: «به قوه بخار و تلمبه های بزرگ ممکن است املاک بین شوشتر و مسجد سلیمان تماماً سیراب شوند». روشن است که استفاده از چنین ابزارهایی برای رشد بخش کشاورزی به سرمایه گذاری دولتی نیاز داشته است. ظهور الاسلام زاده دزفولی که به ضرورت چنین امری واقف بود، معتقد بود که لازم است دولت به مدت پنج سال از عایدات خوزستان چشم پوشی کند و در عوض آن را صرف سرمایه گذاری در شوشتر و سایر شهرهای خوزستان کند (ظهور الاسلام زاده دزفولی، ۱۳۰۸، ص ۵۳).

از طرف دیگر، عدم سرمایه گذاری مناسب در تأسیسات آبیاری یعنی سدها و بندهای خراب، که در طی زمان ویران شده بودند (کسروی، ۱۳۱۲، صص ۲۳۴-۲۳۵)، تأثیر زیادی بر کاهش تولیدات کشاورزی داشت. چنان که ظهور الاسلام زاده دزفولی درباره این خرابی ها



می نویسد: «حالیہ... شادروان شوشتر و غیرہ خراب [است] و ناامنی گذشتہ نیز رعیت را دل کباب کردہ...» (ظہیرالاسلام زادہ دزفولی، ۱۳۰۸، ص ۵۲). درواقع بازسازی نکردن این سد موجب طغیان آب و ایجاد سیلاب و ہدر رفتن آب و استفادہ نکردن از آن برای افزایش تولیدات کشاورزی شد؛ زیرا شادروان شوشتر در صورت فراہم بودن بسترہای آن، با آبیاری املاک میان آب می توانست در رونق کشاورزی شوشتر و بالطبع شکوفایی اقتصاد آن نقشی اساسی ایفا کند (ظہیرالاسلام زادہ دزفولی، ۱۳۰۸، ص ۵۳). با شکستن سد مذکور و خشک ماندن نہر داریان، کشت آبی در جلگہ میان آب وجود نداشت (رزم آرا، ۱۳۲۰، ص ۴۲) و تنہا استفادہ ای کہ از این نہر می شد، در فصل بہار بود کہ در اثر طغیان سیل، آب کارون بالا می آمد و در نہر داریان می ریخت و بعضی از کشتزارہا یکی دو بار با آن آبیاری می شدند؛ ولی معمولاً بہ علت تأثیر منفی عوامل طبیعی، یعنی بارندگی کم، روش کشت آبی، محصول اندکی بہ بار می آورد (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۹).

بہ دلیل نقش زیاد مہار آب برای رشد و توسعہ تولیدات کشاورزی، شناسایی و بازسازی تأسیسات آبیاری شوشتر اہمیت زیادی داشت. چنان کہ عبدالأمیر نگہبان نیز با آگاهی از نیازہای آبیاری و کشاورزی شوشتر از برنامه ہای عمرانی مورد نیاز در این زمینہ می نویسد:

«تعمیراتی کہ در شوشتر باید بشود:

۱. پل شادروان شوشتر (پل شاپور) - کہ لازم است تعمیر شود و مخارج آن آنچہ بہ تقریب برآورده شدہ است در حدود سیصد و پنجاہ ہزار تومان است - بہ وسیلہ نہر داریان میان آب شوشتر کہ طولاً ہشت فرسخ و عرضاً یک الی دو فرسخ است کاملاً مشروب می گردد؛

۲. بستن سد مقام حسن؛

۳. بستن سد ماہی بازان؛

و ہم چنین چند سد دیگر تا بہ بند «بند قیر» برسد - کہ قسمت اراضی شرقی رودخانہ گرگر [را] کہ در حدود سی فرسخ مربع می شود کاملاً مشروب می نماید. از بند قیر الی سد اہواز دوسہ سد دیگر نیز بایستی بستہ شود - کہ آثار قدیم آن ہا باقی است. از آن جملہ یکی آثار سدی است کہ در مقابل قریہ ویس^۱ است و ہر گاہ این سدا بہ بستہ شود، کاملاً اراضی دو طرف کارون علیا مشروب و در حدود دویست فرسخ مربع اراضی آنجا قابل زرع ہمہ قسم محصول زراعتی می شود؛ ولی امروزہ کاملاً صحرا لہ یزرع است و مختصر زراعت جو و گندم دیمی دارد» (نگہبان، بی تا، صص ۱۱-۱۲). ظہیرالاسلام زادہ دزفولی نیز با آگاهی از این مسائل، بہترین راہ رشد اقتصاد شہر را، بستن سد از جملہ سد شوشتر می دانست (ظہیرالاسلام زادہ دزفولی، ۱۳۰۸، ص ۶۰).

۱. منطقہ ویس در ساحل شرقی رود کارون در ۴ فرسخی شمال شہر اہواز واقع شدہ است (امام شوشتری، ۱۳۳۱، ص ۱۰۷).

معین‌التجار بوشهری نیز در زمینه نیاز شوشتر به مساعدت دولت برای بهبود بخش کشاورزی می‌نویسد: «برای توسعه فلاح دو سد هست که در قدیم بوده و مقداری اراضی را آبیاری می‌کرده که به واسطه شکستن و خرابی این دو سد اراضی مذکور بایر افتاده... تلمبه‌های آب به کار بیندازد مساعدتی که لازم است از طرف دولت بشود» (کمام، کارتن ۱۲، پوشه ۱۱، ص ۱۱). باتوجه به این موارد، می‌توان گفت، توجه به فراهم کردن بسترهای توسعه کشاورزی مانند سرمایه‌گذاری در سدسازی، به‌کارگیری ابزارآلات مناسب مانند تلمبه، پمپ آب، و... برای رشد این بخش از اقتصاد شوشتر ضرورت زیادی داشت؛ ولی بی‌توجهی دولت به سرمایه‌گذاری در کشاورزی به دلیل هزینه‌بر بودن این طرح‌ها، موجب کاهش تولید کشاورزی و کندی رشد اقتصاد منطقه شد.

گرچه در اواخر دوره پهلوی اول، شرکت آبیاری شوشتر با هدف آبیاری اراضی میان‌آب تأسیس شد، ولی چون سرمایه قابل توجهی به این شرکت اختصاص داده نشد، توانایی هزینه برای بستن سد و پل شاپوری^۱ را نداشت و تنها با لایروبی کانال و تونل داریان^۲ آب را به میان‌آب دادند. ولی چون مقدار آبی که به وسیله سد شاپوری به میان‌آب می‌رسید خیلی کم بود، فقط برخی از روستاهای نزدیک را آبیاری و کشت کردند (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹).

ج. مهاجرت کشاورزان

سرمایه و منابع انسانی از مهم‌ترین منابع رشد اقتصادی هستند و بدون آن‌ها تولید و در نتیجه رشد اقتصادی تحقق نمی‌یابد. تأثیر منفی صنعتی‌نشدن شوشتر بر رشد کشاورزی، مهاجرت کشاورزان به شهرهای صنعتی مانند آبادان و مسجدسلیمان بود (میریان، ۱۳۵۲، ص ۴۸۹)؛ زیرا کشاورزان در آن‌جا می‌توانستند از افزایش درآمد و امکانات رفاهی مناسب برخوردار شوند (فاتح، ۱۳۳۵، ص ۳۱۱). در نتیجه مهاجرت کشاورزان شوشتری، و رهاشدن مزارع و باغات، و استفاده کشاورزان باقی‌مانده از روش‌های سنتی و استفاده نکردن از تکنولوژی، کاهش فراوانی در تولیدات کشاورزی ایجاد شد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مهاجرت زیاد کشاورزان موجب رکود، و حتی فقر کشاورزی شوشتر شده باشد (پیتیه، ۱۳۶۹، ص ۸۲)؛ به عبارت دیگر بین مهاجرت و رشد نکردن اقتصاد رابطه دوسویه برقرار شد. بدین معنی که از یک طرف رشد نکردن اقتصاد شوشتر سبب مهاجرت کشاورزان شد و از طرف دیگر خالی شدن منابع نیروی انسانی ناشی از مهاجرت، متقابلاً به عدم رشد اقتصاد شهر منجر شد.

۱. پل شاپوری از بناهای قدیمی شوشتر است (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶).

۲. نهر یا تونل داریان نهری در شوشتر است که از رود شطیط جدا می‌شود (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵).



۴. صنعت

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد صنعت، ایجاد راه ارتباطی مناسب، خصوصاً راه آهن است. در دوره پهلوی اول راه ارتباطی اهواز-شوشر و اندیمشک به طول ۱۷۰ کیلومتر ساخته شد که اتومبیل از آن عبور می‌کرد. جاده بعد از خروج از اهواز از کنار رودخانه کارون می‌گذشت و در بند قیر شعبه‌ای از رودخانه را قطع می‌کرد؛ ولی این مکان فاقد پل به‌عنوان یکی از مظاهر رشد اقتصادی بود؛ از این رو حمل و نقل شوشر از طریق بلم^۱ انجام می‌شد. چون شوشر مانند جزیره‌ای از هر طرف به آب محدود شده است، راه رسیدن به آن از طریق کلک بود (غروی، ۱۳۲۸، ص ۱۷).

یکی از کارکردهای مهم اقتصاد شوشر در زمینه صنعت، صنایع دستی بود که در گذشته سابقه و رونق زیادی داشت. این صنعت با ایجاد اشتغال برای طیف وسیعی از مردم شوشر و جذب سرمایه‌های اندک، در بهبود معیشت و رشد اقتصاد نقش مهمی ایفا می‌کرد. لنگ‌بافی، ملحفه‌بافی، سجاده‌بافی، عبابافی، شال‌بافی، قالی‌بافی و... تنوع زیاد صنایع دستی شوشر در زمینه بافندگی را نشان می‌دهد. رونق صنایع دستی این شهر، به‌ویژه در زمان قاجار به اندازه‌ای بود که حدود ۲۰۰ دستگاه بافندگی در آنجا دایر بود و بافت مقنعه و چفیه رایج بود؛ به گونه‌ای که این دستگاه‌ها سالانه یک میلیون متر مقنعه تولید می‌کردند (لطیف‌پور، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۶۴۸).

یکی دیگر از صنایع دستی، صنعت عبابافی بود که در گذشته در شوشر و اطراف آن که بیش‌تر عرب‌زبان بودند زیاد رواج داشت. حدوداً صدها نفر از مردم شوشر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق شغل بافندگی درآمد کسب می‌کردند (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸)؛ ولی از اواخر دوره مشروطه عوامل مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی موجب رکود تعداد زیادی از صنایع دستی شوشر شد. یکی از عوامل سیاسی-فرهنگی مسبب رکود در صنایع دستی شوشر در زمینه پوشاک در دوره پهلوی اول سیاست این دولت در زمینه کشف حجاب بود. بدین ترتیب که با تغییر لباس قدیم به کت و شلوار و کلاه (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۸)، بسیاری از صنایع دستی منسوخ شدند. از جمله بافتن دستار شال‌باف از بین رفت؛ درحالی که استفاده از این نوع لباس تا قبل از سال ۱۳۰۸ ش/م ۱۹۲۹، بین طبقات پیشه‌ور بسیار متداول بود (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸). هم‌چنین با تغییر لباس مردم، مشتری صنعت عبابافی در این زمان به عده خاصی از مردم از جمله روحانیون و عرب‌زبانان محدود شد و بیشتر کارگاه‌های عبابافی از بین رفت (رستمی، ۱۳۹۵، صص ۱۱۸-۱۱۹).

یکی دیگر از عوامل سیاسی-اقتصادی که در رکود صنایع دستی شوشر نقش داشت، تأثیرپذیری اقتصاد ایران از بازار جهانی بود؛ زیرا با بازشدن درهای تجارت بین‌المللی و

۱. بلم (Balam): کرجی کوچک (دلفی موسوی، ۱۳۹۵، ص ۴۷).



ورود کالاهای خارجی، مردم مانند گذشته از صنایع دستی خود استقبال نکردند. افزون بر این به دلیل ناتوانی در رقابت و جذاب نبودن صنایع دستی ایرانی، برخی از صنایع دستی شوشتر منسوخ شدند. برای نمونه لنگ بافی شوشتر در دوره قاجار زیاد رونق داشت؛ به نحوی که سالیانه ۱۴ هزار تخته لنگ در ۱۲ کارگاه لنگ بافی در شوشتر تولید می شد (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۷۰۱؛ لطیف پور، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۶۴۸) و لنگ حمام و دستمال لنگی آن در شهرهای مهم کشور بازار فروش داشت؛ ولی در دوره پهلوی اول با ورود منسوجات اروپایی به ایران و تولید محصولات ماشینی مشابه، لنگ بافی به تدریج منسوخ شد (رستمی، ۱۳۹۵، صص ۱۰۹ و ۱۱۲).

سومین عامل تأثیرگذار بر رکود صنایع دستی شوشتر در دوره پهلوی اول، عامل اقتصادی بود. بدین معنی که برخی از صنایع دستی عمدتاً به دلیل نداشتن سرمایه و بضاعت مالی صاحبان آنها، چندان رونقی نداشتند. از جمله این ها، صنعت قالی بافی بود که سابق بر این، به دلیل فروش زیاد در بازارهای داخلی ایران و وجود مواد اولیه آن در شوشتر مانند پنبه، زیاد رونق داشت؛ ولی در دوره پهلوی اول، صنعت فرش بافی شوشتر به یک دستگاه قالی بافی کوچک محدود شده بود که مؤسس آن میرزا حسن ولد حاج میرزا جعفر مرعشی بود و توسعه و گسترش آن به سرمایه مالی فراوان نیازمند بود (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۳، صص ۲۱۴-۲۱۵). اگرچه یکی از عوامل رشد نکردن صنعت قالی بافی شوشتر در این زمان نداشتن سرمایه بود، ولی در حقیقت رکود قالی بافی شوشتر از دوره قاجار شروع شده بود؛ زیرا به دلیل بی توجهی به ضخامت و کیفیت قالی در دوره قاجار، آسیب زیادی به اساس فرش وارد شده بود. چنان که در خاطرات حسین قلی خان نظام السلطنه در این باره آمده است: «تأکید کنید که فرش های شوشتری را خوش قماش و محکم ببافند. از سالی که به خوزستان رفته ام تاکنون فرش ها به اندازه دوثلث نازک تر و مثل قماش شده اند» (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۷۰۱).

یکی دیگر از صنایع دستی شوشتر که در این زمان، به دلیل ناتوانی مالی صاحبان آن به رکود دچار شد، گلیم بافی بود. این صنعت سابق بر این، از مرغوبیت زیادی برخوردار بود و در بازارهای داخلی ایران جای زیادی داشت؛ ولی در دوره پهلوی اول، به دو یا سه دستگاه بافندگی گلیم محدود شد که صاحبان آنها به دلیل نداشتن سرمایه در فشار و مضیقه بودند (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۳، صص ۲۱۴-۲۱۵).

از دیگر صنایع شوشتر آجرپزی و گچ پزی بود که به دلیل وجود مواد اولیه یعنی گچ در شوشتر، خصوصاً در دوره قاجار رواج داشت. چنان که وقف دستگاه گچ پزی در دوره مذکور (اداره کل اوقاف خوزستان، سند آرشیو ۱۵ شوشتر)، نشان از فراگیر بودن این



صنعت بوده است؛ ولی در دوره پهلوی اول عاملی که گریبانگیر این صنایع شد و در عدم رشد آن‌ها نقش داشت، نبود سرمایه کافی برای توسعه و در نتیجه ناتوانی در رقابت با کارگاه‌های سایر شهرها بود. این در حالی است که امکان رشد این گونه صنایع کارگاهی، بازار فروش مناسبی برای آن‌ها در اهواز و سایر شهرهای نزدیک فراهم می‌کرد (نیرومند، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹). دوربودن شوشتر از راه‌های ارتباطی مناسب هم (کمام، کارتن ۳۹، پوشه ۲۵۸) موجب محدودشدن بازار آن به منطقه شده بود و در نتیجه صنایع شهری فرصت گسترش نداشتند و تولیدات کارگاهی امکان عرضه در منطقه محدودتری را داشتند؛ بنابراین کارگاه‌های شهری سهمی ناچیز در اقتصاد شهری به‌عهده گرفتند. ازسوی دیگر، غنای کشاورزی منطقه سبب شده بود تا اقتصاد این شهر به‌طور عمده بر کشاورزی متکی باشد (مسعودی‌نژاد، ۱۳۹۵، صص ۹۵-۹۶).

به تعبیر پی‌یر مایه یکی از دلایل رشد نکردن اقتصاد شوشتر در زمینه صنعت، روحیه مردم این شهر بوده است؛ یعنی نیاز بود تا مردم با رشد موافق باشند؛ ولی ساختار اجتماعی شوشتر مانع رشد اقتصادی بود (مایه، ۱۳۶۹، ص ۸۹)؛ زیرا مردم این شهر به اذعان برخی مورخان، سفرنامه‌نویسان و محققان دارای تعصب و ناآگاهی زیادی بودند. برای نمونه، تعصب مذهبی آنان سبب شد با مقاومت در برابر برخی برنامه‌های نوسازی (سجادی، مصاحبه، ۱۳۹۶)، شهر شوشتر را از دگرگونی اقتصادی ناشی از برنامه‌های صنعتی مدرن محروم کنند. پهلوی اول در راستای مدرنیزاسیون قصد داشت راه‌آهن سراسری را از مسیر اندیمشک-شوشتر-اهواز بسازد؛ ولی مردم شوشتر تحت تأثیر مخالفت روحانی برجسته شوشتری یعنی حاج کاظم شریعت با این امر مخالفت کردند. از دیگر برنامه‌های مدرن سازی برای شوشتر که مخالفت مردم مانع از تحقق آن‌ها شد، تأسیس کارخانه ریسندگی (مریدی شوشتری، ۱۳۹۲، ص ۹۵) و ساخت شهر جدید در قسمت دیگر شهر یعنی شاه‌نجنف بود (ساکما، ۱۳۶۲/۲۹۳).

فتحی مهندس شوشتری در این باره می‌گوید: «اولین کارخانه در خوزستان قرار بود کارخانه ریسمان‌تابی باشد که در جلوی قلعه سلاسل واقع در شوشتر ساخته شود؛ ولی به دلیل مخالفت روحانیون به اهواز انتقال یافت و در آن‌جا ساخته شد» (فتحی، مصاحبه، ۱۳۹۶)؛ زیرا مردم شوشتر تحت تأثیر روحانیون معتقد بودند که در صورت انجام این برنامه‌های عمرانی، با مهاجرت مردم شهرهای دیگر به شوشتر، و بالطبع ایجادشدن مراکز فساد و بی‌بندوباری، اثرات منفی بر فرهنگ سنتی و مذهبی مردم گذاشته می‌شود (مریدی شوشتری، ۱۳۹۲، ص ۹۵).

مهدی غروی نیز در سفرنامه خود که حاصل سفر به شوشتر در سال ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۹ م است و خرابی آن را به چشم خود دیده است، یکی از دلایل ویرانی شهر و رشد نکردن اقتصاد

آن را به مردمش نسبت می‌دهد و در این باره می‌نویسد: «شهری که دارای ۹ هزار سکنه کور و علیل و بی‌سواد و متعصب باشد، در ناحیه‌ای که مظاهر تمدن جدید با استخراج و تصفیه نفت رسوخ کرده چه پیشرفتی خواهد داشت؟!» (غروی، ۱۳۲۸، ص ۸). در اینجا غروی علت رشد نکردن شهر شوشتر را به تعصب، بی‌سوادی و نداشتن سلامتی مناسب مردم نسبت داده است. عبدالامیر نگهبان درباره اوضاع خراب شهر شوشتر ناشی از ناآگاهی مردم می‌نویسد: «با وجود اینکه تا چند سال قبل شهر مزبور مقر حکم‌فرمایی حکام خوزستان بوده [است]، امروزه یکی از شهرهای مخروبه ایران محسوب [می‌شود] و به واسطه نبودن تمدن و علم زندگانی و بی‌بصیرتی اهالی به کلی قابل زیست نیست» (نگهبان، بی‌تا، ص ۱۰). اگرچه در صنعتی‌نشدن شوشتر و بالطبع رشد نکردن اقتصاد آن تعصب و ناآگاهی برخی مردم تأثیرگذار بوده است، ولی این موضوع به عنوان دلیل اصلی نمی‌تواند مطرح شود و عوامل دیگری نیز در رشد نکردن اقتصاد صنعتی مؤثر بوده‌اند. برای مثال به نظر می‌رسد برخی از برنامه‌های نوسازی مانند ایجاد راه آهن برای شوشتر به صرفه نبوده است؛ بنابراین لازم بوده است چنین طرح‌های پرهزینه‌ای در شهر اهواز عملی گردند؛ زیرا اهواز به دلیل برخورداری از امنیت و ثبات سیاسی و اقتصادی فواید بیش‌تری را نصیب دولت می‌کرده است.

در هر صورت، سرمایه‌گذاری نکردن دولت در شوشتر، به طور غیرمستقیم مانع جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز شد و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خیلی محدود بود. چنان‌که تنها کارخانه ایجاد شده در این زمان، مؤسسه برق محمدعلی نمکی بود که در سال ۱۳۱۴ ش/۱۹۳۵م با استفاده از آبشارهای متعدد شوشتر برق تولید کرد (بانکیان، ۱۳۸۳، صص ۴۵۱-۴۵۲). در اسناد شخصی‌ای که از تجارت شوشتر در دوره پهلوی اول باقی مانده است به ماشین‌خانه برق در سال ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳م اشاره شده است (مجموعه اسناد شخصی مسعود افضالان، سند شماره ۱). علاوه بر تولید برق، در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، آبشارها کارکرد آسیاب‌های صنعتی را داشتند و هریک از این آسیاب‌ها کارخانه‌ای بودند که چرخ صنعت در آن‌ها به کمک آب به گردش درمی‌آمد (مریدی شوشتری، ۱۳۹۲، صص ۱۲۸-۱۲۹).

در هر صورت، نبود صنایع و کارخانه‌ها در شوشتر از این منظر تأثیر خود را بر عدم رشد اقتصاد شهر گذاشت و فرصت اشتغال مردم در این عرصه‌ها از بین رفت و مردم بیش‌تر به کشاورزی پرداختند که به دلیل شیوه سنتی، بازدهی پایینی داشت و در رشد اقتصاد نقش زیادی ایفا نمی‌کرد.



۵. نتیجه

با وجود آنکه دولت پهلوی اول با هدف تمرکزگرایی و نوسازی جامعه ایرانی، رشد اقتصاد ایران را با محوریت حمل و نقل، صنایع و کشاورزی پی گیری کرد، ولی در بخش های مختلف اقتصاد شوستر یعنی در کشاورزی و صنعت، رشد پایداری صورت نگرفت؛ زیرا مجموعه ای از عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی مانند نبود سرمایه گذاری، وقوع بلایای طبیعی، تأثیرپذیری اقتصاد ایران از بحران های جهانی، خلیقات مردم شوستر، موجب رکود اقتصاد شوستر در زمینه کشاورزی و صنعت شد و پیدایش این عوامل، با دامن زدن به افزایش روند مهاجرت مردم شوستر به مناطق آبادتر و خالی شدن شهر از منابع انسانی، بیش از پیش به عدم رشد اقتصاد آن منجر شد.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): سند شماره ۲۴۰/۲۲۰۴۸؛ ۲۹۳/۴۸۶۲۱؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): کارتن ۱۲، پوشه ۱۱؛ کارتن ۲۰، پوشه ۶۴؛ کارتن ۳۲، پوشه ۴؛ کارتن ۳۳، پوشه ۴؛ کارتن ۳۵، پوشه ۳۸؛ کارتن ۳۹، پوشه ۲۵۸. اداره کل اوقاف خوزستان: سند آرشیو ۱۵ شوستر. مجموعه اسناد شخصی مسعود افضالان: سند شماره ۱.

کتاب

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی، مترجم). تهران: نی. احصائیه محصولات فلاحی ایران در سال ۱۳۱۰ ش. (۱۳۱۱). صص ۷۸-۸۱. تهران: مطبعه روشنائی. امام شوشتری، محمدعلی. (۱۳۳۱). *تاریخ جغرافیایی خوزستان*. تهران: امیرکبیر. بانکیان، محمداسماعیل. (۱۳۸۳). *یک صد سال صنعت برق ایران*. (انجمن مهندسی بهره‌وری صنعت برق ایران، مجری). بی جا: پیام متن. پیتیه، ژان. (۱۳۶۹). *مهاجرت روستائیان*. (محمد مؤمنی کاشی، مترجم). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. جزایری شوشتری، سید عبدالله. (۱۳۹۵). *تذکره شوستر*. (مهدی کدخدای طراحی، مصحح). اهواز: ترآوا. دلفی موسوی، اکبر. (۱۳۹۵). *تاریخ کشتیرانی در کارون*. اهواز: ترآوا. رزم آرا، علی. (۱۳۲۰). *جغرافیای نظامی ایران: خوزستان*. تهران: سلسله انتشارات. روشه، گئی. (۱۳۹۲). *تغییرات اجتماعی*. (منصور وثوقی، مترجم). تهران: نی.

- رومر، دیوید. (۲۰۰۱). *اقتصاد کلان پیشرفته*. (مهدی تقوی، مترجم). (ج ۱). (ج ۲). تهران: دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
- شوشتری، میر عبداللطیف خان. (۱۲۹۶). *تحفه العالم و ذیل التحفه: سفرنامه و خاطرات میر عبداللطیف خان شوشتری*. برچیده از کتاب خانه دیجیتال هندوستان. طبع: پوشید.
- ظهیر الاسلام زاده دزفولی، سیدصدرالدین. (۱۳۰۸). *شکرستان در تاریخ شش هزار ساله خوزستان*. تهران: چاپ خانه فردوسی.
- غروی، سیدمهدی. (۱۳۲۸). *از شوشتر تا آبادان*. بی جا: بی نا.
- فاتح، مصطفی. (۱۳۳۵). *پنجاه سال نفت ایران*. تهران: شرکت سهامی چهر.
- قره باغیان، مرتضی. (۱۳۷۳). *اقتصاد رشد و توسعه*. (ج ۱). (ج ۳). تهران: نی.
- قیم، عبدالنبی. (۱۳۹۲). *فراز و فرود شیخ خزعل*. تهران: کتاب آمه.
- کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. (ج ۸). (۱۳۶۹). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نو.
- کسروی، احمد. (۱۳۱۲). *تاریخ پانصدساله خوزستان*. بی جا: بی نا.
- کیهان، مسعود. (۱۳۱۱). *جغرافیای مفصل ایران*. (ج ۳). تهران: مطبعه مجلس.
- گیلیس و دیگران. (۱۳۷۹). *اقتصاد توسعه*. (غلام رضا آزاد، مترجم). تهران: نی.
- لطیف پور، احمد. (۱۳۹۳). *خوزستان در عصر قاجار*. (ج ۲). تهران: فرهنگ مکتوب.
- مایه، پی.یر. (۱۳۶۹). *رشد اقتصادی*. (شجاع الدین ضیائی، مترجم). تهران: رسانه.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۸۳). *گزارش های ایلات و ولایات از اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ش*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مریدی شوشتری، اکرم. (۱۳۹۲). *شوشتر یعنی خوب تر*. (مهدی کدخدای طراحی، ویراستار). اهواز: تراوا.
- مهندسین مشاور. (۱۳۶۵). *طرح جامع کشاورزی حوزه میانی کارون جلد ۴: جمعیت، جوامع و محیط زیست*. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت طرح و برنامه.
- میریان، عباس. (۱۳۵۲). *جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان*. تهران: چاپ خانه بوذرجمهری.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان. (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد*. (ج ۳). (منصوره اتحادیه، کوشش گر). تهران: تاریخ ایران.
- نگهبان، عبدالأمیر. (بی تا). *اطلاعات مهمه راجع باوضاع فلاحتی و طبیعی خوزستان*. بی جا: بی نا.
- نیرومند، محمدباقر. (۱۳۸۴). *یادی از شوشتر*. تهران: دانشگاه تهران.
- ولی عرب، مسعود. (۱۳۹۵). *تاریخ اقتصادی شوشتر در دوران معاصر*. تهران: موجک.
- هادسن، رونالد؛ هاس، رالف؛ ادوین، وحید. (۱۹۸۳). *مدیریت زیرساختارها*. (محمدتقی بانکی، مترجم). تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

مقاله

حقوقی، مرتضی. (۱۳۴۲). «تحولات سرمایه‌گذاری کشاورزی در خوزستان». *بورس*، دوره اول، شماره ۳، صص ۱۱-۱۴.

دودانگی، محمد. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران». فصل‌نامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۱۳۱-۱۴۷.

مسعودی‌نژاد، رضا. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی بازار تجاری و بازار اجتماعی با نگاهی معطوف به بازارهای تاریخی دزفول و شوشتر به‌عنوان بازار تجاری». دوفصل‌نامه معماری ایرانی، دوره ۵، شماره ۱۰، صص ۷۳-۱۰۰.

ولی‌عرب، مسعود. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر تجارت و بازرگانی در حیات اقتصادی شوشتر در دوره قاجاریه». تاریخ‌نامه خوارزمی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۵۰-۱۷۶.

نشریات

نشریه انجمن تونل ایران. (۱۳۸۸). شماره هفت.

مجله مدرسه عالی فلاح کرج. (۱۳۰۹). سال اول، شماره اول.

پایان‌نامه

رستمی، سارا. (۱۳۹۵). «بررسی فرهنگ و تمدن شوشتر در عصر قاجار و پهلوی (با تکیه بر آداب، سنن و هنرهای دستی)». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی)، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مصاحبه

سجادی، عیسی. (۹۶/۹/۱۰). اهواز.

فتحی، خسرو. (۹۶/۱۱/۱۶). شوشتر.

English Translation of References

Documents

Edāre-ye Koll-e Owqāf-e Xuzestān (Khuzestan Endowments General Directorate): archive document 15 Šuštār. [In Persian]

Ketāb-xāneh, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):



Box 12, Folder 11; Box 20, Folder 64; Box 23, Folder 4; Box 33, Folder 4; Box 35, Folder 38; Box 39, Folder 258. [In Persian]

Majmu'è-ye asnād-e šaxsi-ye Mas'ud-e Afzalān (Masoud Afzalan's collection of personal documents): document number 1. [In Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): document numbers 240/22048; 293/48621. [In Persian]

Books

- Abrahamian, Ervand. (1377/1998). *"Irān bein-e do enqelāb"* (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi. Tehran: Ney. [In Persian]
- Bankian, Mohammad Esmael. (1383/2004). *"Yeksad sāl san'at-e barq-e Irān"* (One hundred years of Iran's electricity industry). Executed by Anjoman-e Mohandesi-ye Bahre-vari-ye San'at-e Barq-e Irān (Iranian Productivity Association for Power Industry). [n. p.]: Payām-e Matn. [In Persian]
- Delfi Mousavi, Akbar. (1395/2016). *"Tārix-e kaštirāni dar Kāzerun"* (History of ship-ping in Karoun). Ahvāz: Tarāvā. [In Persian]
- "Ehsāeeye-ye mahsulāt-e falāhati-ye Irān dar sāl-e 1310 SH"* (The statistic report of Iran's agricultural products in 1310 SH / 1931 AD). Tehran: Matba'è-ye Rošanāyi. [In Persian]
- Emam Shoushtari, Mohammad Ali. (1331/1952). *"Tārix-e joqrāfiyā-yi-ye Xuzestān"* (Geographical history of Khuzestan). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Fateh, Mostafa. (1335/1956). *"Panjāh sāl naft-e Irān"* (Fifty years of Iranian oil). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Čehr. [In Persian]
- Gillis et al. (1379/2000). *"Eqtesād-e towse'eh"* (Economics of development). Translated by Gholamreza Azad. Tehran: Ney. [In Persian]
- Gharabaghian, Morteza. (1373/1994). *"Eqtesād-e rošd va towse'eh"* (Economy of growth and development) (vol. 1) (3rd ed.). Tehran: Ney. [In Persian]
- Gharavi, Seyyed Mehdi. (1328/1949). *"Az Šuštār tā Ābādān"* (From Shoushtar to Abadan). [n. p.]: n. p. [In Persian]



- Ghayyem, Abd al-Nabi. (1392/2013). *“Farāz va foroud-e Šeīx Xaz’al”* (The ups and downs of Sheikh Khazal). Tehran: Ketāb-e Āmeh. [In Persian]
- Hudson, Ronald; Haas, Ralph; & Edwin, Vahid. (1983). *“Modiriyat-e zir-sāxt-hā”* (Infrastructure Management (Comprehensive Design, Construction, Maintenance, Reconstruction and Renovation)). Translated by Mohammad Taghi Banki. Tehran: Dānešgāh-e San’ati-ye Amir Kabir (Amir Kabir University of Technology). [In Persian]
- Jazayeri Shoushtari, Seyyed Abdollah. (1395/2016). *“Tazkere-ye Šuštar”* (Political and social history of shushtar). Edited by Mehdi Kadkhoday Tarrahi. Ahvāz: Tarāvā. [In Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1312/1933). *“Tārix-e pānsad-sāle-ye Xuzestān”* (Five hundred years history of Khuzestan). [n. p.]: n. p. [In Persian]
- “Ketāb-e ābi: Gozāreš-hā-ye mahramāne-ye vezārat-e omur-e xāreje-ye Engelis darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān”* (Blue book: Confidential reports of the British Foreign Office on the Constitutional Revolution of Iran, Volume VIII, March 9, 1912, to February 15, 1913) (vol. 8). (1369/1990). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: No. [In Persian]
- Keyhan, Masoud. (1311/1932). *“Joqrāfiyā-ye mofassal-e Irān”* (Detailed geography of Iran) (vol. 3). Tehran: Matba’e-ye Majles. [In Persian]
- Latifpour, Ahmad. (1393/2014). *“Xuzestān dar ‘asr-e Qājār”* (Khuzestan in the Qajar era) (vol. 2). Tehran: Farhang-e Maktub. [In Persian]
- Markaz-e Asnād-e Riyāsat Jomhuri (Islamic Revolution Document Center). *“Gozāreš-hā-ye ilāt va velāyāt az owzā’-e ejtemā’ee-eqtesādi-ye Irān dar sāl-e 1310 SH”* (Reports of tribes and provinces on the socio-economic situation of Iran in 1310 SH / 1931 AD). Tehran: Sāzmān-e Čāp va Entesārāt-e Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [In Persian]
- Maillet, Pierre. (1369/1990). *“Rošd-e eqtesādi”* (La croissance économique) [Economic growth]. Translated by Shoja al-Din Ziaeeayan. Tehran: Resāneh. [In Persian]
- Mirian, Abbas. (1352/1973). *“Joqrāfiyā-ye tārixī-ye sarzamin-e Xuzestān”* (Historical geography of Khuzestan). Tehran: Čāpxāne-ye Buzarjomehri. [In Persian]

- Mohandesin-e Mošāver (Consulting Engineers). (1365/1986). *“Tarh-e jāme’-e kešvvarzi-ye howze-ye miyāni-ye Kārun, jeld-e 4: Jam’eeyat, javāme’ va mohit-e zist”* (Comprehensive agricultural plan of middle Karun basin, volume 4: Population, societies and environment) (vol. 4). Tehran: Vezārat-e Kešāvarzi, Mo’avenat-e Tarh va Barnāmeḥ (Ministry of Agriculture). [In Persian]
- Moridi Shoushtari, Akram. (1392/2013). *“Šuštar ya ‘ni xubtar”* (Shoushtar means better). Edited by Mehdi Kadkhoday Tarrahi. Ahvāz: Tarāvā. [In Persian]
- Negahban, Abd al-Amir. (n. d.). *“Ettelā’āt-e mohemmeh rāje’ be owzā’-e falāḥatī va tabi’ee-ye Xuzeštān”* (Important information about the agricultural and natural conditions of Khuzestan). [n. p.]: n. p. [In Persian]
- Nezam Al-Saltaneh Mafi, Hossein Gholi Khan. (1362/1983). *“Xāterāt va asnād”* (Documents and memoirs of Hossein Gholikhan Khan Nizam Al-Saltanah Mafi) (vol. 3). Edited by Mansoureh Ettehadiyeh. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [In Persian]
- Niroumand, Mohammad Bagher. (1384/2005). *“Yādi az Šuštar”* (A memory of Shushtar). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Razmara, Haj Ali. (1320/1941). *“Joqrāfiyā-ye nezāmi-ye Irān: Xuzeštān”* (Military geography of Iran: Khouzestan). Tehran: Selsele Enteshārāt. [In Persian]
- Rocher, Guy. (1392/2013). *“Taqrīrāt-e ejtemā’ee”* (Le changement social) [Social change]. Translated by Mansour Vosoughi. Tehran: Ney. [In Persian]
- Romer, David. (2001). *“Eqtesād-e kalān-e pišrafteh”* (Advanced Macroeconomics) (vol. 1) (2nd ed.). translated by Mehdi Taghavi. Tehran: Dānešgāh-e Āzād (Islamic Azad University), Vāhed-e ‘Olum va Tahqiqāt (Science and Research Branch). [In Persian]
- Shoushtari, Mir Abd al-Latif Khan. (1296/1917). *“Tohfa-tol-‘ālam va zeil-ot-tohfa: Safarnāmeḥ va xāterāt-e Mir ‘Abd-ol-Latif Xān-e Šuštarī”* (The Political memoirs of Seyyed Mohammad Ali Shushtri). Tab’: Pušid. [In Persian]
- Vali Arab, Masoud. (1395/2016). *“Tārix-e eqtesādi-ye Šuštar dar dōwrān-e mo’āser”* (The economic history of Shushtar in the contemporary era). Tehran: Mowjak. [In Persian]
- Zahir al-Eslamzadeh Dezfouli, Seyyed Sadr al-Din. (1308/1929). *“Šekarestān dar tvrix-e šeš hezār sale-ye Xuzeštān”* (Shekarestan in the six-thousand-year history of Khuzestan). Tehran: Čāpxāne-ye Ferdowsi. [In Persian]



Articles

- Dodangi, Mohammad. (1395/2016). “Avāmel-e mo’asser bar jazb-e sarmāye-gozāri-ye dāxeli va xāreji dar Irān” (Factors affecting domestic and foreign investments in Iran). *Fasl-nāme-ye Pažuheš-hā-ye Rošd va Towse’e-ye Eqtesādi* (Economic Growth and Development Research) (EGDR), 6(23), pp. 131-147. [In Persian]
- Hoghoughi, Morteza. (1342/1963). “Tahavvolāt-e sarmāye-gozāri-ye kešāvarzi dar Xuzestān” (Developments of agricultural investment in Khuzestan), *Burs*, 1(3), pp. 11-14. [In Persian]
- Masoudinejad, Reza. (1395/2016). “Motāle’e-ye tatbiqi-ye bāzār-e tejāri va bāzār-e ejtemVee bā negāhi ma’tuf be bāzār-hā-ye tārixi-ye Dezful va Šuštār be ‘onvān-e bāzār-e tejāri” (A comparative study of social and retail bazaars: Investigating the historical bazaars of Dezful and Shushtar as retail bazaars). *Do-fasl-nāme-ye Me’māri-ye Irāni* (Journal of Iranian Architectural Studies) (JIAS), 5(10), pp. 73 – 100. [In Persian]
- Vali Arab, Masoud. (1395). “Barresi-ye ta’sir-e tejārat va bāzargāni dar hayāt-e eqtesādi-ye Šuštār dar dowre-ye Qājāriyeh” (Investigating the impact of trade and commerce on the economic life of Shushtar during the Qajar period). *Tārix-nāme-ye Xārazmi*, 3(3), pp. 150-176. [In Persian]

Press

- Našriye-ye *Anjoman-e Tunel-e Irān* (The Iranian Tunnelling Association) (IRTA). (1388/2009). Issue 7. [In Persian]
- Majalle-ye *Madrese-ye ‘Āli-ye Falāhat-e Karaj*. (1309/1930). 1st year, issue 1. [In Persian]

Dissertations

- Rostami, Sara. (1395/2016). “*Barresi-ye farhang va tamaddon-e Šuštār dar ‘asr-e Qājār va Pahlavi (bā tekyeh bar ādāb, sonan va honar-hā-ye dašti)*” (Investigation of the culture and civilization of Shushtar in the Qajar and Pahlavi eras (based on customs, traditions and handicrafts)). [Masters’ thesis in history of Iran]



during the Islamic period]. Dānešgāh-e Šahid Čamrān-e Ahvāz (Shahid Chamran University of Ahvaz), Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni (Faculty of Letters and Humanities). [In Persian]

Interviews

Fathi, Khosro. (96/11/16 SH / 5 February 2017). Šuštār. [In Persian]

Sajjadi, Isa. (96/9/10 SH / 1 December 2017). Ahvāz. [In Persian]

